آيا كسي را به اسم
« عجيب »
می شناسيد؟

ما هر روز اشخاصی را ملاقات می کنیم که دارای اسامی بسیار زیبا و مناسب هستند و گاهی هم اسم هایی را می شنویم که نا مناسب و نا مفهومند، ولی من در تمام عمرم کسی را ندیده ام که نام او « عجیب » باشد. هم چنین در تمام کتب تاریخی یا افسانه هایی که خوانده ام، ندیده ام که کسی دارای این اسم باشد. ولی در یکی از قسمتهای کتاب مقدس، یعنی در کتاب اشعیاء نبی که حدود دو هزارو هفتصد سال پیش از این نوشته شده است، در مورد شخصیت خیلی بزرگی پیشگویی شده که باید ظاهر شود و به « عجیب » نامیده گردد، چنانکه نوشته شده است: " زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسری به ما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او « عجیب »، « مشیر »، « خدای قدیر »، « پدر جاودانی » و « سرور سلامتی » خواهد بود. او بر تخت پادشاهی داود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایة حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت، و گسترش فرمانروایی صلح پرور او را انتهایی نخواهد بود. ... " (اشعیاء فصل ۹ آیات ۶ و ۷). این شخص که تا ابدالآباد بر تخت داود سلطنت خواهد کرد و اسم او « عجیب » خواهد بود کیست؟

کاملاً واضح است که این شخص خود « عیسی مسیح » مي باشد که حدود هفتصد سال بعد از اشعیاء متولد شد و چون مادرش از نسل داود بود، اغلب وی را پسر داود می خواندند. شکی نیست که او عجیب ترین شخصیتی است که بر روی زمین زندگی نموده است.

حال بیایید در مورد بعضی از صفات عجیب این شخص بزرگوار قدری تفکر کنیم.

۱ - تولد مسیح عجیب بود

تمام کسانی که از زمان آدم تا امروز متولد شده اند دارای مادر و پدر بودند، ولی عیسی مسیح پدر جسمانی نداشته است و غالباً او را عیسی ابن مریم می خوانند؛ زیرا که از دختری باکره تولد یافت. این حقیقت با پیشگوئی اشعیاء نبی که فرمود: " ... باکره ای حامله شده، پسری به دنیا خواهد آورد ... " (اشعیاء فصل ۷ آیة ۱۴) و نیز با پیام جبرییل فرشته هنگامی که مژدة تولد عیسی را به مریم داده گفت: " ... روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد. " (لوقا فصل ۱ آیة ۳۵) هماهنگ است. آیا به غیر از عیسی مسیح شخص دیگری هم به این طرز عجیب به دنیا آمده است؟

۲ - پیشگویی ها راجع به مسیح عجیب بود

انبیای قبل از عیسی مسیح مانند داود، اشعیاء ، میکاه، دانیال و غیره، نه تنها تولد مسیح از باکره را قبلاً خبر داده بودند، بلکه محل تولد او، معجزات، مشکلات و زحمات او، مرگ او (که لازم بود برای گناهکاران فدیه شود)، زنده شدن او و سلطنت ابدی او را نیز پیشگویی کرده بودند.

راجع به هیچکس که در این دنیا متولد شده است اینقدر پیشگويي های عجیب در کتب آسمانی یافت نمي شود!

۳ ـ بیگناه بودن مسیح عجیب بود

تاریخ به ما نشان می دهد که مردمان خوبی در این دنیا زندگی کرده اند، ولی می بینیم به هر اندازه که اینها مقدس بوده اند، به همان قدر به زیادی و زشتی گناهان خود پی برده و از خدا طلب بخشش نموده اند. لیکن عیسی مسیح توبه نکرد و آمرزش طلب ننمود، زیرا حتی یک گناه به زندگانی پاک او راه نیافت.
روزی به دشمنان خود گفت: " کدام یک از شما می تواند گناهی به من نسبت دهد. " (یوحنا فصل ۸ آیة ۴۶). حواریون مسیح راجع به او نوشته اند: " ... او هیچ گناهی نکرد و هرگز دروغی از دهان او شنیده نشد. وقتی به او دشنام می دادند با دشنام پاسخ نمی داد. وقتی عذاب می کشید، تهدید نمی کرد ... پاک، بی غرض، بی آلایش، دور از گناهکاران که به مقامی بالاتر از تمام آسمان ها سر افراز گردید. " (اول پطرس فصل ۲ آیات ۲۲ و ۲۳، عبرانیان فصل ۷ آیة ۲۶).
آیا عجیب نیست که در این دنیای آلوده، فقط یک نفر ظاهر شده که هرگز احتیاجی به توبه و طلب آمرزش نداشته است؟

۴ ـ محبت مسیح نسبت به گناهکاران عجیب بود

افراد نیکوکار از بدی متنفرند و هر شخص پاک از ناپاکی بیزار می باشد. واضح است که عیسی مسیح که پاک و از هرگونه گناه به دور بود، ذاتاً از گناه نفرت داشت. به همین دلیل شاید تصور کنیم که لازم بود مسیح خود را از گناهکاران دور نگاه دارد، ولی برعکس به جای اینکه خود را از گناهکاران جدا کند با آنان معاشرت کرده غذا می خورد و راجع به محبت خدا با ایشان صحبت می کرد و هنگامي که توبه می کردند با آغوش باز آنها را می پذیرفت و می فرمود: " من نیامده ام تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم. " به این دلیل بود که دشمنانش او را « دوست گناهکاران » نامیدند.
آیا عجیب نیست؟ آن شخصي که گناهکاران را بیش از همه محبت می نمود، همان است که پاکترین بود.

۵ ـ قدرت مسیح در بخشیدن گناهان عجیب بود

هیچ کدام از پیامبران قدرت نداشتند شخصاً گناهان مردم را ببخشند. ولي روزی گناهکار مفلوجی را نزد مسیح آوردند تا وي را شفا دهد. مسیح ابتدا گناهان او را بخشید، ولی دشمنانی که آنجا بودند، تصور نمودند که عیسی کفر گفته است؛ زیرا غیر از خدا هیچکس نمی تواند گناه را بیامرزد. ولی مسیح فرمود که قدرت دارد گناه را ببخشد و با شفا دادن شخص مفلوج ادعای خود را ثابت کرد. همینطور زن گناهکاری را که برای نجات نزد او آمده بود، آمرزید و به او گفت: " گناهان تو آمرزیده شد، به سلامتی روانه شو. " (لوقا فصل ۷ آیات ۳۶ـ۵۰).
آیا این قدرت مسیح در آمرزیدن گناهان عجیب نبود؟

۶ ـ معجزات مسیح عجیب بود

اگر چه موسی و الیاس و بعضی از پیامبران دارای معجزات بوده اند، اما هیچکس تا کنون به اندازة عیسی مسیح معجزات بزرگ و متعدد انجام نداده است؛ زیرا مریضان را شفا می داد، کوران را بینایی می بخشید و مردگان را زنده می نمود. نه تنها خودش این اعمال عجیب را انجام می داد، بلکه به شاگردان خود نیز قدرت بخشید تا همین کارها را بکنند. وقتی شاگردان، او را دیدند که در موقع طوفان، دریا را

آرام می نماید، متعجب شده گفتند: " این کیست که حتی باد و دریا هم از او اطاعت می کنند؟ " (مرقس فصل ۴ آیهٔ ۴۱).
واقعاً حق داشتند تعجب کنند، زیرا مسیح شخص عجیبی بود.

۷ ـ تعالیم مسیح عجیب بود

کساني که تعالیم عیسی مسیح را می شنیدند شگفت زده شده می گفتند: " این مرد از کجا این حکمت و قدرت انجام معجزات را به دست آورده است؟! " (متی فصل ۱۳ آیهٔ ۵۴).
در اینجا، بعضی از سخنان عجیب او را بازگو می کنیم:
" خوشا به حال پاک دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. " (متی فصل ۵ آیهٔ ۸).
" ... هرگاه مردی از روی شهوت به زنی نگاه کند در دل خود با او زنا کرده است. " (متی فصل ۵ آیهٔ ۲۸).
" ... اگر کسی بر گونه راست تو سیلی مي زند گونه دیگر خود را به طرف او بگردان. " (متی فصل ۵ آیهٔ ۳۹).
" اما من به شما می گویم، دشمنان خود را دوست بدارید و برای کساني که به شما جفا می رسانند دعا کنید. " (متی فصل ۵ آیهٔ ۴۴).
" با دیگران همانطور رفتار کنید که می خواهید آنها با شما رفتار کنند. " (متی فصل ۷ آیهٔ ۱۲).
" ... هر که می خواهد در بین شما بزرگ باشد باید خادم همه گردد و هر که بخواهد بالا تر از همه شود باید غلام همه باشد. " (متی فصل ۲۰ آیات ۲۶ و ۲۷).
" دادن از گرفتن فرخنده تر است. " (اعمال فصل ۲۰ آیهٔ ۳۵).
" به شما فرمان تازه ای می دهم: یکدیگر را دوست بدارید. همانطور که من شما را دوست داشته ام شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. " (یوحنا فصل ۱۳ آیهٔ ۳۴).
وقتی این سخنان عجیب را می شنویم ما نیز تعجب می کنیم!

۸ ـ فقر و فروتنی مسیح عجیب بود

طبیعی است هر پزشکی که بیماران را معالجه مي کند، می تواند هدایای آنان را نیز قبول کرده، ثروتمند شود. همچنین مسیح نیز که محتاجان را مداوا می نمود، می توانست طلا یا جواهرات یا خانه یا املاک برای خود جمع آوری نماید، ولی او حتی جای خوابیدن نداشت. روزی پس از آنکه پنج هزار نفر را با پنج نان و دو ماهی سیر کرده بود، آن جماعت خواستند او را پادشاه خود کنند، ولی مسیح تخت پادشاهی را قبول نکرد زیرا سلطنت او سلطنت روحانی بود. شب قبل از مصلوب شدنش پاي های دوازده شاگرد خود را شست تا سرمشق فروتنی برای آنها بشود. مسیح در موقع مصلوب شدن هیچ نداشت و تنها دارایی وی همان لباسي بود که بر تن داشت. آن را نیز سربازان مأمور اعدام او، بین خود تقسیم نمودند.
آیا عجیب نیست که شخصی با چنین قدرت که توانست حیات، سلامتی، خوراک و نجات به دیگران بدهد، حتی خانه برای خود فراهم ننمود؟!

۹ ـ مرگ مسیح عجیب بود

مسیح در طول زندگی خود چند مرتبه مرگ خویش را پیشگویی کرده بود که، در اورشلیم مصلوب خواهد شد و روز سوم از مردگان خواهد برخاست، ولی وقتی شاگرد صمیمی او پطرس، این را شنید به او گفت: " خدا نکند ! خیر، خداوندا، هرگز برای تو چنین اتفاقی نخواهد افتاد. " (متی فصل ۱۶ آیهٔ ۲۲). ولی مسیح به پطرس هشدار داده فرمود که فکر او فکر خدایی نیست، بلکه فکر شیطانی است که می خواهد از مرگ مسیح که برای فدیهٔ گناهان است جلوگیری کند.
هنگامي که موقع مرگ مسیح رسید و دشمنانش برای دستگیری او آمدند، شاگردان او خواستند مانع شوند، ولی خود مسیح اجازه نداد و حتی به پطرس فرمود که شمشیر خود را غلاف کند. آن وقت شخصاً

جلو رفته خود را به دشمنانش تسلیم کرد. وقتی سران یهود او را مسخره کرده و می زدند، او ساکت ماند. وقتی سربازها دست ها و پاي های او را میخکوب نمودند، آنان را لعنت ننمود و هلاک نکرد، بلکه برای آنان و جمیع دشمنانش دعا نموده فرمود: " ای پدر، اینان را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند. " (لوقا فصل ۲۳ آیة ۳۴). وقتی که بالای صلیب بود سران یهود او را مسخره می کردند، ولی او هیچ جوابي نمی داد. بعد از شش ساعت که بر صلیب زحمت دیده بود، ندا کرد: " ای پدر، روح خود را به تو تسلیم می کنم. " (لوقا فصل ۲۳ آیة ۴۶). این را گفت و جان بداد. آن وقت یکی از افسران رومی که نزدیک صلیب بود از طرز مردن مسیح تعجب کرده گفت: " به راستی این شخص پسر خدا بود. " البته عیسی مسیح مجبور نبود بمیرد زیرا اگر مایل بود می توانست خود را نجات دهد. ولی او داوطلبانه جان خود را قربانی گناهان مردم نمود. چنانکه اشعیاء نبی قرن ها قبل از او گفته بود: " برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم. ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، گمراه شده بودیم؛ راه خدا را ترک کرده به راه های خود رفته بودیم. با وجود این، خداوند تقصیر ها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت! با او بیرحمانه رفتار کردند، اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود... " (اشعیاء فصل ۵۳ آیات ۵-۷). یوحنای رسول راجع به مسیح می فرماید: " زیرا خود مسیح کفاره گناهان ما است، نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه مردم دنیا. " (اول یوحنا فصل ۲ آیة ۲).

حقیقتاً مرگ مسیح عجیب و بی مانند بود!

۱۰ - زنده شدن مسیح عجیب بود

تمامی پیامبران و مقدسین زمان قدیم مردند و دفن شدند و بدنهای آنها تبدیل به خاک شد؛ ولی در مورد عیسی مسیح چیز عجیبی اتفاق افتاد زیرا پس از این که مرد و دفن شد، مطابق پیشگویی خودش از مردگان برخاست! در صبح روز یکشنبه که سومین روز پس از مصلوب شدن و مرگش بود؛ با پیروزی از قبر قیام کرد و خود را به شاگردانش نمایان ساخت. در مدت چهل روز اشخاص زیادی او را زنده دیده و با او صحبت کردند. آنگاه در حضور شاگردانش به آسمان بالا رفت. او اکنون در آنجا نزد خدای پدر زیست می کند.

از تمام اشخاصی که روی زمین زندگی کرده اند، عیسی مسیح تنها کسی است که بعد از مرگ زنده شده و دیگر نمرده است. واقعاً که چه شخص عجیبی است!

۱۱ - پیشگویی مسیح در مورد بازگشت وی عجیب بود

هیچ کدام از پیامبران قبلی پیش از وفاتشان به پیروان خود نگفتند که باز خواهند گشت، ولی عیسی مسیح بارها به بازگشت خود اشاره می کرد و به شاگردان خود فرمود که باید بیدار و منتظر آمدن او بوده، برای یافتن نتایج اعمال خود حاضر باشند. وی فرمود که در آخر دنیا با جلال از آسمان خواهد آمد و همة مردم او را خواهند دید. آن وقت بر تخت پادشاهی خود خواهد نشست و جمیع امتها پیش او جمع خواهند شد و بر آنها داوری کرده آنان را از یکدیگر جدا خواهد نمود، چنان که چوپان میش ها را از بزها جدا می کند، بعضی را برای حیات ابدی و بقیه را برای عذاب جاودانی.

بازگشت مسیح چقدر عجیب و با شکوه خواهد بود، ولی برای کساني که او را اطاعت نکرده اند چقدر وحشتناک است!

۱۲ - مقام مسیح عجیب است

هر شخصي که واقعاً با عیسی مسیح آشنا شود، می فهمد که او دارای مقامی بالاتر از دیگران است. اسامی او نیز بیان کنندة همین مطلب است؛ زیرا بسیاری از مردم او را « روح الله » (یعنی روح خدا) می گویند و به « کلمة خدا » نیز نامیده شده است. ولی لقبی که بیشتر در انجیل به او داده شده « پسر خدا » می باشد. قبل از تولد مسیح، جبراییل فرشته به مریم مادر عیسی فرمود: " او پسر خدا خوانده

خواهد شد. " خدا روح است و عیسی هم پسر روحانی خدا است. عیسی اکثراً خدا را « پدر من» خطاب می نمود و دو مرتبه نیز خدا از آسمان عیسی را « پسر من » خطاب کرد. وقتی یکی از شاگردانش از مسیح خواست که پدر آسمانی را به او نشان دهد، جواب داد: " ای فیلیپس، در این مدت طولانی من با شما بوده ام و تو هنوز مرا نشناخته ای؟ هر که مرا دید پدر را دیده است. پس چگونه می گویی پدر را به ما نشان بده؟ آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟... " (یوحنا فصل ۱۴ آیات ۹و۱۰). در جای دیگر مسیح فرمود: " من و پدر یک هستیم. " هیچ کدام از پیامبران هرگز چنین ادعایی نکرده است.

واقعاً مقام عیسی مسیح عالی و عجیب بود!

۱۳ - نفوذ مسیح در دنیا عجیب است

عیسی مسیح در مدت کم زندگی خود، هیچ کدام از کارهایی را که خیلی از بزرگان دنیا کرده اند انجام نداده است. مثلاً کتابی ننوشته، جایی را فتح نکرده است، دولتی را تأسیس ننموده، بر تخت سلطنتی ننشسته و چیز عجیبی مثل لامپ، رادیو یا کامپیوتر وغیره اختراع نکرده است. بیشتر عمر او در شهر کوچکی به نام ناصره، جایی که شغل نجاری داشت صرف شده و خدمت روحانی او، سه سال و نیم بیشتر طول نکشید. با وجود این، او معروفترین شخص دنیا است. کتاب انجیل که شاگردان راجع به او نوشتند به بیشتر از هزارو پانصد زبان ترجمه شده و از هر کتابی که در دنیا نوشته شده است بیشتر به فروش می رسد. هزاران نفر از مردان و زنان، سرزمین خود را ترک کرده به کشورهای دیگر برای پخش انجیل رفته اند. در بیشتر کشورها اشخاص زیادی هستند که او را دوست دارند و افتخار می کنند که یکی از پیروان او هستند و حتی حاضرند جان خود را نیز در راه او فدا سازند. کسی که بعد از دو هزار سال هنوز دارای چنین نفوذ عظیمی می باشد، واقعاً شخص عجیبی است!

۱۴ - معاشرت همیشگی مسیح با پیروانش عجیب است

مسیح قبل از صعود به آسمان نه تنها بازگشت پر جلال خود را در آخر دنیا پیشگویی نمود، بلکه به شاگردان خود نیز وعده داد که همیشه روحاً با آنها خواهد بود، چنان که فرمود: " پس بروید و همهٔ ملت ها را شاگرد من سازید ... و بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم. " (متی فصل ۲۸ آیات ۱۹ و۲۰). او همچنین فرمود: " ... زیرا هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنان هستم. " (متی فصل ۱۸ آیه ۲۰). لذا وقتي که مسیح به آسمان رفت شاگردانش تنها نبودند که محتاج باشند شخص دیگری بیاید و جای مسیح را بگیرد، زیرا خود مسیح به وسیلهٔ روحش نزد آنها باقی مانده بود و تا امروز پیروان خود را راهنمایی و تقویت فرموده تسلی و آرامش می دهد، آنها را می بخشد و از گناه پاک می کند و محبت خدا را به آنها نشان می دهد. چون که از مردگان برخاست و تا ابد زنده است می تواند ما را کمک نماید. مسیح می خواهد تمام بشر با او دوست باشند، پس همه را بسوی خود دعوت کرده می گوید: :" ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، نزد من بیایید و من به شما آرامی خواهم داد. " (متی فصل ۱۱ آیهٔ ۲۸).

دعوت پر از محبت مسیح چه دعوت عجیبی است؟!

۱۵ - یک چیز عجیب دیگر

دلایل چهارده گانه فوق به روشنی ثابت می کند که عیسی مسیح شایستگی اسم « عجیب » را دارد، یعنی اسمی که قرنها پیش به وسیلهٔ پیامبر خدا به او داده شد. همه چیز او عجیب بود، لیکن شاید آنچه از همه عجیب تر باشد این است که مسیح حاضر است در دلهای گناهکار ما ساکن شود، زیرا می فرماید: " من پشت در ایستاده در را می کوبم، اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند وارد می شوم و با او شام خواهم خورد و او با من. " (مکاشفهٔ یوحنا فصل ۳ آیهٔ ۲۰).

دوست عزیز، این منجی عجیب امروز به در قلب تو آمده و اجازهٔ ورود می خواهد. او جان خود را داد تا تو را از گناه نجات دهد و اکنون زنده است و می تواند به تو زندگی جدید بخشد. او تمام غمها و زحمات و احتیاجات تو را می داند و مایل است تو را برکت دهد و شاد سازد.

دوست عزیز اکنون که با خواندن این جزوه با عجیب ترین شخص روی زمین یعنی عیسی مسیح آشنا شده اید، تصمیم شما در مورد او چیست؟

شما نمی توانید نسبت به او بی تفاوت باشید زیرا او تنها نجات دهندهٔ بشر از لعنت گناه می باشد.

اگر از صمیم قلب مایلید که عیسی مسیح را به عنوان نجات دهندهٔ خود از گناه بپذیرید، تقاضا می کنم که دعای زیر را با ایمان کامل بخوانید:

« ای عیسی مسیح خداوند، از خواندن این جزوه که راجع به خصوصیات عجیب تو سخن می گوید، به این نتیجه رسیده و نیز ایمان دارم که تو تنها نجات دهنده و خداوند بشر هستی. می دانم که من گناهکار و محکوم می باشم و به نجات احتیاج دارم. ایمان دارم که تو برای رهایی من از گناه جان دادی و از مردگان برخاستی تا به من حیات جاودانی ببخشی.

عیسی مسیح خداوند، هم اکنون قلب خود را به روی تو باز می کنم و تو را به عنوان نجات دهندهٔ خود می پذیرم. از گناه روی بر می گردانم و خود را به تو که خداوند و مالک من هستی تسلیم می کنم. از این به بعد تصمیم دارم که فقط تو را پیروی کنم. از صمیم قلب تو را شکر می گویم که گناهانم را آمرزیدی و به من حیات جاودانی بخشیدی، آمین. »

اگر واقعاً عیسی مسیح را نجات دهندهٔ خود می دانید بر طبق کلام خدا شما نجات یافته و حیات جاودانی را به دست آورده اید و نیز جزو خانوادهٔ روحانی او گشته اید. چنانکه در انجیل مسیح مکتوب است: " اما به همهٔ کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند. " (انجیل یوحنا فصل ۱ آیهٔ ۱۲).

از شما تقاضا دارم که ما را از ایمانتان نسبت به مسیح آگاه سازید تا بتوانیم شما را در حیات تازه ای که یافته اید کمک کنیم.

خوانندهٔ گرامی

اگر مایلید اطلاعات بیشتری از زندگی و تعالیم عیسی مسیح به دست آورید، لطفاً با آدرس زیر تماس بگیرید.

Sangesabur@farsinetwork.com